

تحلیلی بر بازتاب مسئله هرات در روزنامه وقایع اتفاقیه

محمد سلیمان‌تبار^۱

نصرالله پورمحمدی املشی^۲

چکیده

هرات مانند قندهار و کابل از جمله مناطقی بود که در قرن سیزدهم قمری / نوزدهم میلادی تحت قیومیت هیچیک از حکومت‌های بزرگ منطقه نبود، اما کشورهای از قبیل انگلیس، روسیه و ایران هر کدام بنا بر دلایلی به دنبال نقش آفرینی و تأثیرگذاری در آن بودند، تا جایی که اختلاف پیش آمده میان ایران و انگلیس بر سر هرات بهانه‌ای شد تا معاهده پاریس به عنوان یکی از قراردادهای مهم بین‌المللی ایران در دویست سال اخیر منعقد شود. ایران در جایگاه یکی از دو طرف منازعه برای اثبات حقانیت خود ادعاهایی را مطرح می‌کرد و سعی داشت دلایل تصرف هرات و استقرار نیرو در آنجا را موجه جلوه دهد. از آنجا که زمان انعقاد معاهده با سال‌های اولیه انتشار روزنامه *وقایع اتفاقیه* مصادف شده بود، این نشریه می‌توانست به عنوان یکی از بسترهای مناسب دولت به منظور تبیین مواضع خود استفاده شود. به همین دلیل مراجعه به آن می‌تواند برای کسب اطلاع و دریافت کامل‌تری از موضوع مورد مناقشه مفید باشد. در مقاله پیش‌رو با تقسیم این گزارش‌ها به بعد و قبل از معاهده پاریس، روند اتفاقات و تغییرات از منظر *وقایع اتفاقیه* رصد شده است و مشاهده می‌شود که در این روزنامه حجم قابل‌توجهی از مطالب با درج اخبار و تحلیل‌هایی مختص یک رسانه حکومتی به مسئله هرات، به‌ویژه قبل از انعقاد معاهده اختصاص داده شده است.

واژگان کلیدی:

ایران، انگلیس، مسئله هرات، روزنامه وقایع اتفاقیه، بازتاب‌ها.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۱/۲۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰

^۱ دانشجوی دکترای تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین - ایران (نویسنده مسئول)

m.soleimantabar@edu.ikiu.ac.ir

^۲ استاد گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین - ایران (نویسنده مسئول) poor_amlashi@yahoo.com

مقدمه

آگاهی بر چگونگی منتج شدن حوادث بین‌المللی و تصمیمات دولتمردان به معاهدات دیپلماتیک که بر جنبه‌های مختلف زندگی افراد کشورها و نسل‌های بعد تأثیرگذار است، به‌عنوان بخشی از تجربه زیسته جوامع برای بهره‌برداری‌های آینده‌نگرانه حائز اهمیت است. ایران باتوجه به جایگاه ژئوپولیتیک و نقش‌آفرینی خود در برهه‌های تاریخی، همواره در معرض چالش‌های متعدد خارجی بوده و بسته به سیاست‌ها و رفتارهای حاکمان با پیروزی‌ها و شکست‌ها از گذرگاه‌ها عبور کرده است. در همین راستا منطقه هرات به‌عنوان موضوع محل اختلاف ایران با برخی دولت‌ها و طوایف، بخشی از توان حکمرانان ایرانی را در گذشته معطوف به خود می‌کرد. هرات در تاریخ ایران علاوه بر اهمیت سیاسی و جغرافیایی، به‌خصوص از منظر فرهنگی و هویتی شایسته توجه است و با نظر به چنین پیشینه‌ای، هدف از این نوشته نزدیک شدن و آشنایی دقیق‌تر به اتفاقات منتهی به جدایی کامل هرات از ایران است که با محوریت و از دریچه روزنامه *وقایع/تفاهیه* انجام خواهد گرفت. اینکه حاکمیت ایران در آن برهه، مواضع خود را نسبت به مسئله هرات با چه کیفیتی در تنها نشریه در اختیارش منعکس می‌کرد؟ و متولیان روزنامه چه میزان به این مسئله توجه داشته‌اند؟ از سوالات اصلی مقاله حاضر است.

در میان پژوهش‌هایی که در حول و حوش پیمان پاریس و خلع ید کامل ایران از هرات انجام شده است، علی‌اکبر بی‌نا در مقاله «روابط سیاسی: جنبه‌های سیاسی و دیپلماسی مسئله هرات و افغانستان (در دوره قاجاریه تا معاهده پاریس)» و افشین پرتو در مقاله «پیمان پاریس؛ داستان غم‌انگیز جدایی هرات از ایران» مانند تعدادی دیگر از پژوهش‌ها، بیشتر به اختلافات مربوط به زمان محمد شاه نگاه دارند و به حوادث نزدیک به معاهده پاریس که در زمان حکومت ناصرالدین شاه منعقد شد، تمرکز نداشته‌اند. مقاله «بازی بزرگ و مسئله هرات (۱۸۲۸ تا ۱۸۳۸ م.)» نوشته فرج‌الله احمدی و آروین قائمیان به اهمیت استراتژیک این منطقه برای دو قدرت بزرگ جهانی یعنی انگلستان و روسیه می‌پردازد و محمدعلی بهمنی قاجار هم در مقاله‌ای با عنوان «پایان حاکمیت سیاسی ایران بر هرات (۱۲۷۳-۱۲۸۰ ق)» به حوادث پس از انعقاد پیمان پاریس تا از میان رفتن کامل نفوذ ایران در هرات پرداخته است. اما در خلال این مقالات و سایر تحقیقاتی که تاکنون انجام گرفته، به روزنامه *وقایع/تفاهیه* به‌عنوان رسانه رسمی دولت و تبیین‌کننده مواضع حکومت و منبعی قابل استفاده ارجاع و توجه چندانی نشده است که در ادامه قصد ورود به آن را داریم.

هرات و معاهده پاریس

هرات به عنوان بخشی از سرزمین افغانستان کنونی در دوره‌های پس از ورود اسلام، تحت حاکمیت دولت‌های مستقل و نیمه‌مستقل مختلفی قرار داشت و رفتار انواع حاکمان را به خود دیده است.^۱ در ادامه و در اوایل قرن دهم هجری قمری، محمدخان شیبانی ازبک با حمله به هرات و برانداختن بدیع‌الزمان پسر سلطان حسین بایقرا، به حکومت تیموریان در ایران پایان داد. شاه اسماعیل در ۹۱۶ق. با کشتن شیبک‌خان ازبک هرات را به زیر سلطه خود درآورد. در زمان شاه طهماسب اول پس از زدوخوردهایی، باری دیگر هرات به قلمرو ایران اضافه شد، اما عیبدالله‌خان ازبک در ۹۳۷ق. پس از محاصره چندماهه این شهر آنجا را فتح کرد و چندی بعد به قتل‌عام شیعیان دست زد. پس از آن و در ۱۰۰۶ق. شاه عباس اول که خود در هرات تولد و رشد یافته بود، با غلبه بر دین محمدخان حاکم آنجا که از جانب عبدالله‌خان ثانی در هرات حکومت می‌کرد، به این شهر دست یافت. در ایام سلطنت شاه سلطان حسین صفوی هم پس از شکست سپاه وی در قندهار، اسدالله‌خان ابدالی از رهبران افغان‌های هرات با همکاری ازبک‌ها بخش‌هایی از خراسان را به دست آورد، اما توسط محمود افغان کشته شد. نادر، زمانی که به طهماسب دوم پیوسته بود، هرات را از ابدالیان بازپس گرفت. احمد شاه درانی (احمد خان ابدالی) از سرداران سپاه نادر با تسلیم سپاه شاهرخ میرزا هرات را متصرف شد و آنجا را پایگاهی برای حمله به سایر نواحی اطراف خراسان قرار داد. آقا محمد خان قاجار هم در پی آن بود که بلخ و هرات را به محدوده ایالت خراسان بازگرداند، اما حوادث قفقاز باعث شد که وی خراسان را ترک و به سوی آذربایجان برود. در این ایام، زمان شاه درانی در هرات داعیه استقلال داشت و برای رسیدن به اهدافش از بازماندگان افشاریان حمایت کرد. در عهد فتحعلی شاه پس از کشمکش‌هایی، محمود پسر تیمور شاه درانی، زمان شاه را کور کرد و تا ۱۲۴۱ق. بر هرات حکومت راند. پس از وی پسرش کامران میرزا با فرمان فتحعلی شاه به حکومت هرات رسید، اما جلوتر، از اطاعت دربار ایران سر باز زد و در ۱۲۴۹ق. سپاه ایران، هرات را محاصره کرد. در این موقع کامران میرزا از کمپانی انگلیس در هند استمداد کرد که البته با فوت ولیعهد ایران محاصره پایان یافت.

آنچه به‌عنوان مسئله هرات شناخته می‌شود، با اقدامات محمد شاه برای تصرف آنجا هم‌زمان است. پس از اتفاقاتی که از بدو جلوس وی به سلطنت رخ داد، بالأخره در ۱۲۵۳ق. به هرات لشکر کشید و با وجود چالش‌های میان روسیه و انگلیس، ۱۰ ماه هرات را محاصره

۱. نک: حاجیان‌پور، ۱۳۸۶ش.

کرد، اما پس از استقرار نیروهای انگلیسی در بوشهر و عدم حمایت روس‌ها^۱ و انفعال آنها در این پیشامد (احمدی و قائمیان، ۱۳۹۸: ۱۵) از تصرف آنجا منصرف شد و به تهران بازگشت و به گفته اعتضادالسلطنه نزدیک ۱۰ کرور فقط به دولت ضرر وارد شد (اعتضادالسلطنه، ۱۲۷۳: ۳). هرات در زمان حکومت ناصرالدین شاه و تا عقد معاهده پاریس، همچنان به‌عنوان "مسئله" مطرح بود^۲ و باید آن را یک موضوع مهم بین‌المللی دانست، تا آنجا که "در السنه و افواه خاک هرات را قبرستان مردم ایران همی خواندند." (اعتضادالسلطنه، ۱۲۷۳ق: ۱) از طرفی در پژوهش‌هایی که در حول و حوش پیمان پاریس و خلع ید کامل ایران از هرات انجام شده، به روزنامه *وقایع/تفاهیه* به‌عنوان رسانه رسمی دولت و تبیین‌کننده مواضع حکومت و منبعی قابل استفاده ارجاع نشده که در این مقاله سعی بر آن است که با تمرکز و از دریچه روزنامه فوق به این اختلاف بین‌المللی نگریسته شود.

اهمیت هرات و سایر مناطق هم‌مرز با هندوستان برای انگلیس پس از کنار رفتن فرانسه از مداخله در امور هند با حضور مدعی دیگر؛ یعنی روسیه ادامه پیدا کرد و مداخلات انگلیس در امور افغانستان میان سال‌های ۱۲۶۷ تا ۱۲۷۲ق. مناسبات این منطقه را پیچیده‌تر کرد. در ۱۲۷۲ق. امیر دوست‌محمدخان که با حمایت انگلیسی‌ها حکومت کابل را داشت، به سمت هرات که در دست محمدخان ظهیرالدوله^۳ بود، لشکر کشید. محمدیوسف‌خان درانی، ظهیرالدوله را به قتل رساند و با استمداد از ایران، در برابر سپاه دوست‌محمدخان مقاومت کرد و حسام‌السلطنه والی خراسان هم با اعزام نیرو به او کمک نمود. پس از تحریکات انگلیسی‌ها در افغانستان، ناصرالدین شاه دستور فتح هرات را به حسام‌السلطنه داد و او هم بعد از پیروزی، به نام شاه ایران خطبه خواند و سکه زد و هرات را به‌عنوان یکی از ایالات ایران به‌شمار آورد. در همین‌زمان، انگلیس نیروهای خود را در بوشهر پیاده و اعلان جنگ کرد و تا رفع محاصره کامل هرات توسط ایران در جنوب ماند و این درگیری، سرانجام به عقد معاهده پاریس منجر شد.

این معاهده میان ایران و انگلیس با حضور سفیران ویژه دو کشور در شهر پاریس منعقد شد و موضوع اصلی‌اش خاتمه اختلافات در خصوص منطقه هرات و در کنار آن، برخی

^۱ برای مشاهده سندی در این باره و توضیحات بیشتر نک: انصاری، ۱۳۸۳ ش.

^۲ همچنین نک: *Encyclopaedia Iranica*, Vol. XII, Fasc. 2, pp. 219-224.

^۳ این لقب را محمد شاه به یارمحمد خان حاکم هرات داد و ظاهراً به حاکمان بعدی هرات هم داده شده است. از جمله سعیدمحمد خان که در اخبار از او به عنوان ظهیرالدوله نیز یاد می‌شود.

مسائل دیگر بود.^۱ پیمان بسته شده ۱۵ فصل داشت که می توان آن را معاهده‌ای تقریباً یک طرفه به سود انگلیس دانست که آن کشور را در راستای رسیدن به اهداف خود به ویژه در رابطه با هند تقویت کرد. همین است که میرزا ملکم خان ناظم الدوله در رساله پلتیکای دولتی خود می گوید: "هر چه تعقل می کنم می بینم موافق هیچ علم و موافق هیچ قانون، اقتدار ایران با اطمینان انگلیس جمع نمی شود." (ملکم خان، ۱۲۹۷: ۵۰-۴۹). او معتقد است که "پلتیک انگلیس به جز حفظ هند مقصود دیگر نداشته است. از اول تا آخر حفظ هند، همیشه حفظ هند و باز هم حفظ هند." (ملکم خان، ۱۲۹۷: ۵۵).

بازتاب اخبار هرات در وقایع اتفاقیه پیش از معاهده پاریس

یکی از منابع قابل توجه برای دستیابی به اطلاعات تاریخی کشورها در سده‌های اخیر، نشریات و روزنامه‌های منتشره است که اطلاعات منحصر به فردی را در اختیار پژوهشگران قرار می دهند. چاپ روزنامه در ایران که نخستین آن مصادف با حکومت محمد شاه قاجار و توسط میرزا صالح شیرازی با عنوان «کاغذ اخبار» صورت گرفت، در زمان ناصرالدین شاه با جدیت بیشتری ادامه یافت. میرزاتقی خان امیرکبیر با دستور راه اندازی روزنامه وقایع اتفاقیه سنگ بنای محکمی برای توسعه انتشار روزنامه در ایران پایه گذاری کرد که در سال‌های پس از آن به ثمر نشست. از آنجا که روزنامه کاغذ اخبار به تعداد محدودی چاپ شده و نسخه‌های باقی مانده و در دسترس آن هم اندک است، در حال حاضر نمی توان اطلاعات گسترده و دقیقی از آن به دست آورد، اما روزنامه وقایع اتفاقیه که ۴۷۱ شماره از آن طی ده سال انتشار یافت و پس از آن هم به ترتیب با نام‌های «روزنامه دولت علیه ایران» و «روزنامه دولتی» ده سال دیگر ادامه حیات داشت، در نیمه اول حکومت ناصرالدین شاه از جایگاه ویژه‌ای برای آشنایی بیشتر با مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برخوردار است. بخشی از اتفاقاتی که حول و حوش مسئله هرات تا قبل از معاهده پاریس انجام می گرفت، به واسطه اهمیت موضوع در روزنامه وقایع اتفاقیه چاپ می شد. این گزارش‌ها علاوه بر اخبار، شامل تحلیل هم بودند و در مواردی به ریشه یابی و بررسی سوابق روابط ایران و انگلیس نیز می پرداختند.

پرداختن به مسئله هرات در وقایع اتفاقیه با گزارش تاخت و تاز کهندل خان حاکم قندهار با همراهی پسران و یارانش به هرات و تصرف فراه^۲ آغاز می شود. نویسنده این اتفاق را باعث

۱. برای اطلاع از متن معاهده نک: طباطبایی مجد، ۱۳۷۳: ۲۸۶-۲۸۲.

۲. یکی از نواحی متعلق به هرات.

هرج و مرج هرات و شورش ایلات آن ناحیه از جمله تراکمه می‌داند که با سوء استفاده، به نهبندان در خاک خراسان هجوم آورده و سیصد تا چهارصد زن و مرد این ناحیه را اسیر کرده و با خود برده‌اند و رفع این اغتشاشات را منوط به اقدامات دولت ایران می‌داند (وقایع/تفاهیه، نمره ۵۸، نوزدهم جمادی‌الاول ۱۲۶۸: ۳). به دلیل اتفاقات آن اطراف، دولت ایران چند فوج گسترده نظامی را اعزام کرد و روزنامه مدعی است که در این شرایط اهالی هرات مشتاق حضور نیروهای ایرانی بودند (وقایع/تفاهیه، نمره ۷۴، سیزدهم رمضان ۱۲۶۸: ۱). گسیل این اندازه نیروی نظامی به منطقه نشان از میزان اهمیت مسئله برای ایران دارد. در شماره ۷۵ وقایع/تفاهیه می‌خوانیم:

اهالی این دولت علیه را جای مباحثات و شکرانه است که چنین ولایتی عمده باین سهولت درین زمان ابد مقرون باز ضمیمه دولت علیه گردید... (وقایع/تفاهیه، نمره ۷۵، بیستم رمضان ۱۲۶۸: ۲).

مطابق گزارشی دیگر، پس از استقرار نیروهای ایران در حوالی هرات و ایجاد آرامش در آنجا، سعیدمحمد خان^۱ حاکم هرات برای تشکر و اظهار وابستگی، ملا فیض اسدالله مفتی را با عریضه و پیشکش به دربار ایران فرستاد (وقایع/تفاهیه، نمره ۷۶، بیست و هفتم رمضان ۱۲۶۸: ۲) و این پیشکش‌ها در سال‌های بعد هم ارسال می‌شد که نشان از انقیاد حاکمان هرات نسبت به ایران دارد. با این اوصاف ایران پس از حضور در منطقه و رفع ناآرامی‌ها اجازه حکومت در هرات را به سعیدمحمد خان واگذار کرد و او را تحت حمایت خود درآورد. طبق خبری که در نمره ۲۴۶ روزنامه درج شده، سعیدمحمد خان ظهیرالدوله شروع به بدرفتاری و آزار اهالی هرات کرد و حتی به تخریب شهر هم دست زد: توپ ببروج و بدنه شهر هرات بسته سبب این حرکت را سؤال کرده بودند گفته بود می‌خواهم بدانم هرات را بتوپ میتوان خراب کرد یا نه (وقایع/تفاهیه، نمره ۲۴۶، ششم صفر ۱۲۷۲: ۳).

این رفتارها باعث شد تا اهالی شهر نامه‌ای به محمدیوسف افغان که در خراسان بود، بنویسند و از او بخواهند فوراً به آنجا رفته و حکومت را به دست گیرد، وی هم بی‌درنگ و بدون اطلاع فرمانفرما و حاکم خراسان به آنان پیوست و حاکم هرات شد (وقایع/تفاهیه، نمره ۲۴۶، ششم صفر ۱۲۷۲: ۳). محمدیوسف افغان پس از استقرار در هرات به دولت ایران پشت کرد و نامه‌ای توهین‌آمیز به ناصرالدین شاه نوشت. وی پس از دستگیری و فرستاده شدن به

۱. البته از وی با نام "سید محمد خان" و "صید محمد خان" هم یاد شده است.

تهران با وساطت و شفاعت میرزا آقاخان نوری از به قتل رسیدن جان به در برد (وقایع اتفاقیه، نمره ۲۹۷، نهم صفر ۱۲۷۳: ۳-۲).

حمله دوست محمد خان حاکم کابل به قندهار و تصرف آنجا و عزم وی برای تسخیر هرات مجدداً زنگ خطر را برای دولتمردان ایران به صدا درآورد. وقایع اتفاقیه هدف از امنیت و استقلال هرات را جلوگیری از اختلال و رفع تهدید از ولایات شرقی از جمله خراسان و بلوچستان و کرمان می‌داند و در ادامه اظهار می‌دارد که ایران همچنان بر قرار قبلی خود مبنی بر بیطرفی پایبند است و این صف‌آرایی را دخالت در امور هرات نمی‌داند (وقایع اتفاقیه، نمره ۲۵۵، دهم ربیع‌الثانی ۱۲۷۲: ۲-۱). در این برهه، حسام‌السلطنه عموی ناصرالدین شاه نوبتی دیگر به‌عنوان حاکم به خراسان فرستاده شد. او که قبلاً نیز توسط امیرکبیر به حکومت خراسان منصوب شده و تا حدود چهار سال پیش از این، حاکم آنجا بود، پس از فوت فرمانفرما دوباره خلعت گرفت؛ مطمئناً این انتخاب نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن موقعیت ویژه خراسان مخصوصاً به‌دلیل اتفاقات اخیر باشد.

به‌سبب ناآرامی‌های قندهار و هرات، حکومت ایران با ادعای کمک به پایان دادن بی‌نظمی‌ها وارد مسئله شد. در این زمان، مستر موری^۱ وزیرمختار دولت انگلیس، تهران را به سمت تبریز ترک کرده بود و روزنامه لازم می‌بیند توضیح دهد که خروج سفیر انگلیس ارتباطی با موضوع هرات ندارد و کدورتی بین ایران و انگلیس نیست (وقایع اتفاقیه، نمره ۲۶۵، بیست‌ویکم جمادی‌الثانی ۱۲۷۲: ۲). در ادامه متوجه خواهیم شد که رفتن موری بی‌ارتباط با مسئله هرات نبود؛ این از نخستین اخبار در باره اختلاف میان ایران و انگلیس است که در وقایع اتفاقیه درج می‌شود. وی دلیل ورود به مسائل افغانستان را این‌گونه شرح می‌دهد که با توجه به فوت سردار کهندل خان، امیر دوست محمد خان به‌عنوان عرض تسلیم، اما با هدف تصرف قندهار به این ایالت می‌رود و با استقرار نیروها و کنار گذاشتن خاندان کهندل خان در آنجا حضور پیدا می‌کند و قصد او حرکت به سمت هرات برای به‌دست گرفتن حکومت است. با توجه به رسیدن درخواست‌های تظلم‌خواهانه به دربار ایران، حکومت هم قشونی را برای حراست هرات و در نتیجه خراسان روانه آنجا کرد (وقایع اتفاقیه، نمره ۲۶۵، بیست‌ویکم جمادی‌الثانی ۱۲۷۲: ۳-۲).

۱. Sir Charles Augustus Murray وزیرمختار بریتانیا در ایران در سال‌های ۱۸۵۴ تا ۱۸۵۵ و ۱۸۵۷ تا ۱۸۵۹ م.

در این شرایط و با وجود اتفاقات گذشته، رابطه ایران و انگلیس و مسئله هرات تنها موضوعی بود^۱ که در باره آن اشتهارنامه‌هایی در روزنامه *وقایع/تفاهیه* آمده است. نخستین خبر از ورود نیروهای انگلیسی به خلیج فارس در این برهه در اشتهارنامه‌ای ذیل شماره ۲۹۸ درج شده و نویسنده در ابتدا با تأکید بر اینکه اخبار ورود کشتی‌ها و نیروهای نظامی انگلیس به خلیج فارس فقط به صورت شفاهی و از زبان مردم شنیده شده است، روابط دوستانه ایران و انگلیس را یادآور می‌شود و می‌گوید در صورت صحت اخبار فوق و تصمیم انگلیسی‌ها بر اقدام نظامی که البته به دلیل بدگویی بدخواهان است، ایرانیان با توکل بر خداوند و با اتکاء بر نیروی غیرت خود برای ناموس و سلطنت و دین مقابله خواهند کرد.

در اشتهارنامه دیگری که بلافاصله بعد از آن آمده است، استیونس^۲ کنسول دولت انگلیس از وزیر امور خارجه ایران خواسته که مجوز خروج بالیوز^۳ دولت انگلیس و همراهان آن که در بوشهر متوقف بوده را صادر نماید و دولت ایران هم این کار را کرده است، اما خود استیونس و همراهان او با سرقت چند اسب از چاپارخانه‌های نزدیک تهران به صورت ناشناس و با حيله برای خروج اقدام کردند. روزنامه ضمن تعجب از این اتفاق و اینکه در صورت درخواست استیونس برای خروج از کشور با خروج وی هم موافقت می‌شد، دلایل اینگونه رفتن را یکی بدهی‌های برادر کنسول انگلیس به تجار ایرانی و دیگر، ناامن نشان دادن ایران به سایر دولت‌ها و همچنین اطلاع استیونس از اوضاع به وجود آمده در هرات می‌داند (*وقایع/تفاهیه*، شماره ۲۹۸، شانزدهم صفر ۱۲۷۳). بعد از آن هم طبق خبری دیگر مشخص شد که او از طریق رشت و با کشتی از ایران خارج شده است (*وقایع/تفاهیه*، شماره ۳۰۲، چهاردهم ربیع‌الاول ۱۲۷۳: ۸). این نوع رفتارها نشان از احتمال وخامت اوضاع و تبعات حاصل از درگیری‌ها برای دولتمردان انگلیسی حاضر در ایران داشته است.^۴

سرانجام در بیست‌وششم صفر ۱۲۷۳ ق. حسام‌السلطنه موفق به تصرف ارگ هرات شد. *وقایع/تفاهیه* می‌نویسد: هرات مانند گذشته به‌عنوان یکی از ایالات ممالک محروسه ایران مجدداً به حکومت ملحق شد و با این کار هیچ نقض عهدی آنطور که انگلیسی‌ها مدعی هستند صورت نگرفته است و اتفاقاً ایران همان کاری که طبق عهدنامه قبلی باید می‌کرد را

۱. البته در برخی شماره‌ها، نوشته‌هایی با عنوان «اعلان» چاپ شده که هدف از آن موضوعاتی مانند فروش برخی کالاها یا گم‌شدن اجناس بوده است.

۲. Stevens

۳. به معنی نماینده سیاسی یا از عوامل کنسولگری.

۴. برای مشاهده سایر اشتهارنامه‌های مربوط به روابط ایران و انگلیس و هرات ر.ک.: *وقایع/تفاهیه*، شماره ۳۱۲.

انجام داد و با همه این اوصاف، اولیای دولت ایران در صورتی که مطمئن شوند و تضمین بگیرند که انگلیسی‌ها در امور افغانستان از جمله هرات دخالت نمی‌کنند و استقلال ایالات برقرار خواهد شد، ضمن حفظ دوستی با انگلیس از تصرف هرات صرف نظر می‌کنند. (= وقایع اتفاقیه، نمره ۳۰۱، هفتم ربیع‌الاولی ۱۲۷۳: ۱-۳).

از دیگر مواردی که می‌توان به آن اشاره کرد، تبلیغات سیاسی حکومت است تا جایی که پس از تصرف هرات به اعتضادالسلطنه گفته می‌شود در این باره مطالبی بنویسد و او هم نسخه‌ای با عنوان *فتح‌نامه هرات* به نگارش درمی‌آورد و در روزنامه *وقایع اتفاقیه* چاپ می‌شود. پس از رسیدن خبر فتح هرات به دربار، به‌دستور ناصرالدین شاه اعلام جشن و شلیک توپ انجام گرفت و در هفتم ربیع‌الاول هم سلامی عام دایر و در آن علاوه بر قدردانی از زحمات سپاهیان و دیگران، به‌طور خاص از میرزا آقاخان نوری سپاسگزاری شد. در ادامه نیز از افرادی مانند حاجی محمدولی میرزا که قبل از رسیدن مژده فتح هرات از طریق ستارگان این خبر را استخراج و از میرزا رضای منجم‌باشی که چهار ماه قبل، روز تسخیر هرات را تعیین کرده بود، با اعطای هدایایی تقدیر به‌عمل آمد. به‌همین مناسبت شاعران هم به سرودن اشعاری پرداختند و قصیده میرزا محمدعلی خان شمس‌الشعراء، شاعر درباری و رباعی منشی دفتر روزنامه با تخلص "نامی" و برخی دیگر از این سروده‌ها در روزنامه به‌چاپ رسید (*وقایع اتفاقیه*، نمره ۳۰۲، چهاردهم ربیع‌الاولی ۱۲۷۳: ۱-۶).^۱ در سایر ایالات مانند خمسه و عربستان و بروجرد و آذربایجان و غیره نیز علاوه بر برپایی جشن و چراغانی و شادمانی مردم، خطیبان بر بالای منابر به اهمیت و تمجید از فتح هرات پرداخته و مردم را از آن آگاه می‌کردند.^۲

پس از انتشار خبر استقرار نظامیان انگلیسی در بوشهر، اخبار متعددی از اعلام آمادگی و جان‌نثاری سرکردگان، لشکریان و عموم اهالی ممالک محروسه ایران در روزنامه به چاپ رسید و در آن از غیرت، تعصب و حمیت ایرانیان در اقصی نقاط کشور برای مقابله با متجاوزان گزارش می‌داد.^۳ در تهران و در روز پنجشنبه ۱۱ جمادی‌الاولی ۱۲۷۳ ق. مردم و علما در مسجد شاه جمع شدند تا دستخط و فرمان ناصرالدین شاه را که مقرر بود از جانب اردشیرمیرزا حاکم تهران ابلاغ شود، گوش دهند. علماء و مجتهدین هم از صدراعظم دعوت کردند تا در این مراسم حضور داشته و به‌طور مستقیم عرایض مردم را بشنوند. در متن

۱. برای مشاهده اسامی، عناوین و هدایای متعلق به عوامل فتح هرات ر.ک.: *وقایع اتفاقیه*، نمره ۳۰۷، نوزدهم ربیع‌الثانی ۱۲۷۳: ۴-۵.

۲. برای نمونه نک: *وقایع اتفاقیه* شماره‌های ۳۱۲-۳۰۶-۳۰۵.

۳. برای نمونه نک: شماره ۳۱۰.

فرمان ضمن تأکید بر رفتار صلح‌آمیز و مناسبات دوستانه ایران و انگلیس اشاره شده بود که اگر دولت انگلیس اقدام خصمانه بکند و در صدد باشد دولت اسلام را ذلیل نماید بر ما واجب است غرور خصم را بشکنیم تا بدانند و بفهمند که ملت و دولت ایران مغلوب دولت انگلیس نخواهد شد. در ادامه هم اضافه می‌کند که پس از قرائت این فرمان و صحبت‌های میرزا آقاخان نوری حصار با اظهار به اینکه شاه ولی‌نعمت و مالک رقاب تمامی ما و طوق بندگی و اطاعت ایشان بر گردن ما است، اما از آنجا که پای مذهب، ملت، ناموس و عصمت در میان است، حتی اگر ایشان هم از مجاهدت منع کنند، هرگز کوتاه نخواهیم آمد (وقایع/تفاهیه، نمره ۳۱۱، هجدهم جمادی‌الاولی ۱۲۷۳: ۱-۳). در موردی پیرو درخواست میرزا حسن خان حاکم عراق و فرمان شاه سه هزار نفر از اهالی آنجا جدای از نیروهای نظامی برای رزم اعلام حضور کردند و پس از تجهیز آنان و دسته‌بندی افراد آماده اعزام شدند (وقایع/تفاهیه، نمره ۳۱۳، دوم جمادی‌الثانی ۱۲۷۳: ۴).^۱ در یکی از عریضه‌ها که طبق اظهار روزنامه به دربار رسیده است و در آن ضمن بیان لزوم مقاومت در برابر کفار و مهاجمان با استناد به آیات قرآن به تهییج و تحریک مخاطبان برای ایستادگی و دفاع از اسلام می‌پردازد، چنین می‌خوانیم:

... بمصداق و ان نکثوا ایمانهم من بعد عهدهم و طعنوا فی دینکم فقاتلوا أئمة الکفر انهم لا ایمان لهم لعلهم ینتهون^۲ عزیزت خاطر و همت باطن و ظاهر بدان پیوست که تا جان در بدن دارند و توان در تن، شعاق مخالف را بوفاق موالف از پی ادحاض^۳ و ابطال کوشند... آشکار است که اگر این جمع طعام^۴ بر ملت اسلام دست یابند و بدین سر شتابند در آشکار و خفا هیچ از ستیز و جفا فرو نگذارند و عرض و ناموس مسلمان را بهره خویش انگارند... آخر نه سیرت ایشان با اهالی هندوستان مشهور عرب و عجم است و مشهود ترک و دیلم و گذشته از آنچه گذشت خاطر نشان ایشان تبدیل سنت اسلام است... و کنون فرمان همایون را منتظریم که باندک اشارت اولیای حضرت بجان و مال و فرزند و عیال لوای جدال افرازیم و جان فشانیم... (وقایع/تفاهیه، نمره ۳۱۵، شانزدهم جمادی‌الثانی ۱۲۷۳: ۲-۳).^۵

^۱ برای مشاهده اخبار آمادگی مردم سایر نقاط مانند تبریز و کرمانشاه و برخی طوایف نک: وقایع/تفاهیه شماره‌های ۳۱۶-۳۱۸-۳۱۹.

^۲ و اگر سوگندهای خود را پس از پیمان خویش شکستند و شما را در دین‌تان طعن زنند، پس با پیشوایان کفر بجنگید، چرا که آنان را هیچ پیمانی نیست، باشد که [از پیمان‌شکنی] باز ایستند. توبه: ۱۲.

^۳ دفع کردن.

^۴ فرومایه.

^۵ همچنین متن نامه حاجی میرزا محمدباقر مجتهد و امام‌جمعه تبریز برای اعلام آمادگی اهالی تبریز و آذربایجان و اسامی علما و سایر بزرگان که برای جهاد در راه دین و ملت با دربار مکاتبه کرده‌اند، در شماره ۳۱۴ روزنامه آمده است.

پس از حضور انگلیسی‌ها در بوشهر حتی از متعلمین دارالفنون که در فنون نظامی و علوم مرتبط دارای مهارت بودند هم برای کمک‌رسانی به هرات فرستاده شدند.^۱ بخشی از اتفاقات بندر بوشهر و زدوخوردهای میان قشون دو دولت در اشتهارنامه پایان شماره ۳۱۲ روزنامه وقایع اتفاقیه آمده و در آن با توجه به وضعیت جنگی به‌طور تقریبی تعداد کشته‌های انگلیس را از هفتصد تا هزار نفر و کشته‌های ایران را از سیصد تا ششصد نفر آورده است (وقایع/تفاقیه، نمره ۳۱۲، شانزدهم جمادی‌الاول ۱۲۷۳: ۱۶-۱۵) که البته صحت و سقم این ارقام و اعداد جای تأمل دارد.^۲ نکته جالب دیگر، خبری است در باره تهیه اقلام مورد نیاز توسط انگلیسی‌ها با دادن سکه‌های تقلبی به اهالی بندر، اگر چه دولت فروش کالا به انگلیسی‌ها را ممنوع کرده بود، اما آن‌ها با دادن پیشنهادهایی تا ده و بیست برابر قیمت واقعی اجناس آنچه می‌خواستند را تهیه می‌کردند و روزنامه هم علاوه بر طعن بر فروشندگانی که بخاطر طمع خود حمیت و غیرت را زیر پا گذاشتند، این تقلب انگلیسی‌ها را ناشایست می‌داند (وقایع/تفاقیه، نمره ۳۲۰، بیست‌ودوم رجب ۱۲۷۳: ۳).

از ادعاهای دیگر کارگزاران دولت ایران پس از فتح هرات تأکید بر اتحاد شیعیان و اهل سنت بود^۳ (وقایع/تفاقیه، نمره ۳۰۴، بیست‌وهشتم ربیع‌الاولی ۱۲۷۳: ۳-۲) و وقایع/تفاقیه در شماره ۳۰۸ ذیل عنوان "اخبار ایالات" برای نخستین بار در این جریده، اخبار هرات را به‌عنوان یکی از ایالات ایران جداگانه آورده است.

در شش صفحه ابتدایی شماره ۳۰۸ نویسنده ضمن بیان مختصر علل اختلاف، مجدداً نظر حکومت ایران را اعلام و بر آنچه قبلاً گفته شده بود، تأکید می‌کند. چند نکته در این گزارش قابل توجه است؛ نخست اینکه شیل^۴ نسخه‌امضاء شده توافقی که در خصوص هرات

اهالی قزوین هم توسط میرزا عبدالوهاب مجتهد و پیشوای آنجا اعلام جان‌نثاری کردند (وقایع/تفاقیه، نمره ۳۲۱، بیست‌ونهم رجب ۱۲۷۳: ۴). برای اطلاع از متن رساله جهادیه حاجی میرزا عسگری امام‌جمعه مشهد نیز ببینید: رحمانیان و حاتمی ۱۳۹۶ش.

۱. برای نمونه و مشاهده اسامی برخی از این افراد نک: وقایع/تفاقیه، نمره ۳۱۰، یازدهم جمادی‌الاولی ۱۲۷۳: ۳.

۲. برای اطلاع بیشتر از جزئیات نبرد بوشهر از زبان یک نیروی نظامی انگلیسی حاضر در این نبرد نک: هنت، ۱۳۲۷ش، ۷۵-۶۱. از نوشته‌های هنت برمی‌آید که نسخه روزنامه وقایع/تفاقیه به‌دست نیروهای انگلیسی مستقر در بوشهر هم می‌رسیده است؛ زیرا به گزارش‌هایی از این روزنامه ارجاع داده می‌شود و نویسنده در قسمت‌هایی از اخبار خلاف واقع این روزنامه تعجب می‌کند.

۳. اظهار دولت مبنی بر مخالفت با تقابل میان اهل سنت و شیعه، در بخش‌های دیگری از همین روزنامه مؤکداً آمده و دستوراتی به همراه داشته است نک: وقایع/تفاقیه شماره‌های ۲۶۶، ۳۰۴ و ۳۱۷.

۴. Sir Justin Sheil وزیرمختار انگلیس در ایران از سال ۱۸۴۴ تا ۱۸۵۴م.

انجام گرفته را تحویل ایران نداده بود، همان توافقی که ایران مدعی بود آن را نقض نکرده است.^۱ همچنین آمده است بعد از فوت سعیدمحمد خان کاغذی از او مربوط به شعبان ۱۲۷۰ق. پیدا شده که در آن تامسن^۲ مصلحت‌گذار سفارت انگلیس نامه‌ای خطاب به وی تحویل ملا اکرم مستوفی هرات داده و در آن نوشته است:

مستوفی آدم کاردان و وافی بود، با او چند فقره حرف زده‌ام، اول آدم دولت بهیبه انگلیس را در هرات بنشانند آنچه از اسباب، توپ، تفنگ و سایر آلات جنگ شما را ضرور باشد مضایقه نخواهد شد و از تنخواه نقد نیز آنچه خرج شود دو کروور ماذون است که بدهد، چون این فقره را عالیجاه مستوفی نپسندید گفتم که یکی از پسرهای ظهیرالدوله تا خدمت جناب جلالتمآب فرمانفرما برود، در آنصورت آنچه بخواهد بهیج وجه من الوجوه معطلی نخواهد رفت، بشرط آنکه آنچه بدون افغانستان در حیطة تصرف ظهیرالدوله بیاید کارگذاران دولت بهیبه انگلیس بی‌مدخلیت نباشند و افغانستان یعنی افغان‌زبان که در آنجا سکنی دارند تعلق بجناب ظهیرالدوله خواهد داشت (وقایع/تفاهیه، نمره ۳۰۸، بیست و ششم ربیع‌الثانی ۱۲۷۳: ۳). و این نامه را یکی دیگر از مصادیق دخالت و نقض قرارنامه از طرف انگلیس می‌داند. همچنین متن نامه‌ای که بزرگان هرات از جمله شاهزاده محمدیوسف، سرتیپ عیسی خان و چندی دیگر نوشته‌اند و از دولت ایران برای جلوگیری از تصرف هرات توسط امیر دوست‌محمد خان استمداد کرده‌اند، در این شماره آمده است. در ادامه مصداق بارز بهانه‌جویی انگلیسی‌ها را این نکته می‌داند که پس از نامه‌های سفیر انگلیس و وزیر امور خارجه آن دولت به دولت ایران و دو شرطی که به مصلحت‌گذار ایران در اسلامبول بیان می‌کنند (یعنی خروج نیروهای ایران از هرات و جلب رضایت مستر موری سفیر آن کشور در ایران)، دولت ایران هم طی نامه‌ای اعلام می‌کند که فرخ‌خان امین‌الملک را برای انجام مذاکرات به آنجا می‌فرستد. اما قبل از آنکه فرخ‌خان به اسلامبول برسد، دولت انگلیس اعلام جنگ می‌نماید و با رسیدن نماینده ایران و پس از آنکه انگلیسی‌ها به سختی رضایت به گفت‌وگو دادند و مواردی را مطرح کردند که منجر به دادن فرصت چهل روزه به فرخ‌خان شد، در حین کسب نظر دربار توسط امین‌الملک و قبل از پایان این مهلت بدون اطلاع قبلی اقدام به توپ‌اندازی در بوشهر نمودند (وقایع/تفاهیه، نمره ۳۰۸، بیست‌وششم ربیع‌الثانی ۱۲۷۳: ۱-۶).

۱. منظور قرارداد ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۲۶۹ق. است. برای اطلاع از این قرارداد نک: هنت، ۱۳۲۷ش، ۴۳-۴۲.

۲. William Taylour Thomson از نمایندگان انگلیس در ایران در سال‌های ۱۸۴۹ تا ۱۸۵۵ و ۱۸۷۳ تا ۱۸۷۹م.

نقل قول‌های وقایع اتفاقیه از جراید خارجی در باره مسئله هرات

بخشی از محتوای روزنامه وقایع اتفاقیه به گزارش‌های منتشره در نشریات سایر کشورها در باره ایران اختصاص داشت. در یکی از همین نقل قول‌ها، خبری که در روزنامه/حسن الأخبار^۱ چاپ بمبئی به تاریخ ۱۵ جمادی‌الثانی ۱۲۷۲ق. مطابق با ۲۲ فوریه ۱۸۵۶م.^۲ در باره اختلاف پیش‌آمده میان ایران و انگلیس درج شده را عیناً می‌آورد و ادعا می‌کند که این خبر منصفانه نوشته شده است. در این متن/حسن الأخبار به رفتارهای قبلی دولتمردان انگلیس نسبت به ایران می‌پردازد؛ از جمله به اقدامات مکنیل^۳ اشاره می‌کند که مسئله هرات را بهانه کرد و سفارت را از ایران برد و بعد از آن هم دولت انگلیس حسین خان آجودان‌باشی را که به‌عنوان سفیر به آن کشور رفته بود، به لندن راه نداد و ورود او را منوط به اعلام رضایت مکنیل کرد.^۴ همچنین شیل را به‌عنوان نخستین سفیر انگلیس حامی اشرار می‌داند و می‌گوید در زمان او بست‌نشینی در سفارت به اوج رسید و انگلیسی‌ها از بزرگان برای بست‌نشینی دعوت کردند و همین فرد با حمایت از یاغی‌گری سالار پسر آصف‌الدوله در خراسان باعث تحمیل هزینه‌های زیاد به دولت ایران شد، اما شیل موضوع را طوری به کشور خود مخابره کرد که حکومت انگلیس ادامه رابطه با ایران را مشروط به اعلام نظر وی در رابطه با هرات دانست و نهایتاً منجر به عقد قرارداد شد (وقایع اتفاقیه، نمره ۲۷۴، بیست‌وپنجم شعبان ۱۲۷۲: ۷).

روزنامه هندی سپس به سراغ تامسن می‌رود و اقدامات او را در تحریک امام مسقط و خان اورگنج علیه ایران، برهم زدن قرارنامه هرات، روی‌گردانی سعیدمحمد خان از ایران، بست‌نشینی فرهاد میرزا و چند اتفاق دیگر یادآور می‌شود. پس از رفتن تامسن نوبت به سفارت موری رسید که امید می‌رفت با آمدن او روابط رو به بهبودی برود، اما او هم همان روند گذشتگان را داشت. یک مورد از رفتارهای وی مربوط به میرزا هاشم (غلام پیشخدمت محمد شاه) و همسرش بود که پس از جریانات مربوط به آن، موری پرچم سفارت را پائین آورد و تهران را ترک کرد.^۵

^۱ از نشریات فارسی‌زبان که در شبه‌قاره هند منتشر می‌شد.

^۲ در وقایع اتفاقیه به اشتباه سال ۱۸۶۵ آمده است.

^۳ Sir John McNeill نماینده بریتانیا در ایران از ۱۸۳۶ تا ۱۸۴۴م.

^۴ برای دریافت اطلاعات بیشتر نک: بینا، ۱۳۴۸ش.

^۵ برای مشاهده متن کامل این گزارش در روزنامه/حسن‌الأخبار رجوع کنید به: وقایع اتفاقیه، نمره ۲۷۴، بیست‌وپنجم

شعبان ۱۲۷۲: ۱۰-۵ و در باره اختلاف موری با دربار و رفتن او از تهران نک: رایت، ۱۳۶۸ش: ۲۲۱-۲۱۶.

بعد از نقل قول بالا، وقایع/تفاهیه چند نکته را هم اضافه می‌کند و می‌گوید: نویسنده احسن/الأخبار به هر دلیلی آن‌ها را نیاورده است. یکی از آن نکات اشاره به سه معاهده بین ایران و انگلیس است، یعنی عهدنامه ۲۵ محرم ۱۲۲۴ق. / ۱۲ مارس ۱۸۰۹م^۱ که در زمان مأموریت جنرال گاردان^۲ فرانسوی و توسط سر هارفورد جونز^۳ منعقد شد. عهدنامه ۲۹ صفر ۱۲۲۷ق. / ۱۴ مارس ۱۸۱۲م. که توسط سر گور اوزلی^۴ نوشته شد و عهدنامه ۱۲ ذیحجه ۱۲۲۹ق. / ۲۵ نوامبر ۱۸۱۴م. که به وسیله مستر الیس^۵ بسته شد. در فصل هفتم عهدنامه اول، فصل پنجم عهدنامه دوم و فصل نهم عهدنامه سوم صراحتاً قید شده است که در صورت بروز جنگ بین ایران و افغانه، انگلیس حق مداخله و جانبداری از هیچیک از طرفین را ندارد.^۶ این توافق پابرجا بود تا زمان محمد شاه و رفتن سپاه او به هرات برای تنبیه متمردان افغان که با دخالت مکنیل سفیر دولت انگلیس نقض عهد اتفاق افتاد و به مرور دخالت انگلیس بیشتر شد (وقایع/تفاهیه، نمره ۲۷۴، بیست و پنجم شعبان ۱۲۷۲: ۱۱). در ادامه این مطلب و در چند جای دیگر روزنامه تأکید می‌کند که دولت ایران خواستار حفظ روابط دوستانه با انگلیس است و تا جایی که به عزت و احترام ایرانیان لطمه‌ای وارد نشود، همچنان بر ارتباط با حکومت انگلیس اصرار دارد.

یکی دیگر از روزنامه‌های خارجی که در باره رابطه ایران و انگلیس مطلب نوشته و وقایع/تفاهیه آن را ترجمه و منتشر کرده، روزنامه بروکسل بلژیک است. این روزنامه در شماره سوم اکتبر ۱۸۵۶م. مطابق با سوم صفر ۱۲۷۳ق. به این موضوع پرداخته و مدعی بود دولت و ملت ایران با توجه به رفتارهای گذشته نمایندگان انگلیس و مستر موری، دیگر به توافقی که در آن سودی نباشد، راضی نخواهند بود. نویسنده در صورت بروز جنگ، پیروزی انگلیس را به ضرر آن کشور و امنیت هند می‌داند. همچنین اشاره می‌کند که اگر انگلیس به بوشهر بیاید، روس هم در استرآباد اقداماتی خواهد کرد و ایران تکالیف انگلیس را نخواهد پذیرفت. ضمناً به کینه و نارضایتی که ایرانیان و به‌ویژه شخص پادشاه از دولتمردان انگلیسی دارد، اشاره

^۱. وقایع/تفاهیه به اشتباه ۱۹ مارچ درج کرده است.

^۲. General Gardene رئیس هیئت اعزامی ناپلئون به ایران در زمان فتحعلی شاه.

^۳. Sir Harford Jones سفیر فوق‌العاده انگلستان در ایران در سال‌های ۱۸۰۷ تا ۱۸۰۸م.

^۴. Sir Gore Ouseley سفیر بریتانیا در ایران در سال‌های ۱۸۱۰ تا ۱۸۱۴م.

^۵. Sir Henry Ellis وزیرمختار بریتانیا در ایران در سال ۱۸۱۴م.

^۶. علاوه بر این، انگلیسی‌ها به فصول ۳ و ۴ قرارداد ۱۸۱۴م. در زمان جنگ ایران و روس هم عمل نکردند و بعدها به لغو

این دو فصل اقدام نمودند (نک: نظام‌مافی، ۱۳۵۴).

شده است و حتی صدراعظم که به طرفداری انگلیس مشهور بود را متوجه لزوم رفتن انگلیسی‌ها می‌کند؛ اگر چه وی برای برقراری مجدد ارتباط هم تلاش می‌کرد. روزنامه مذکور مدعی بود که اگر لشکر ایران و تدابیر آقاخان نوری نبود، دوست محمد خان هرات و بلکه تمام خراسان را تصاحب می‌کرد (وقایع/تفاتیقه، نمره ۳۰۴، بیست‌وهشتم ربیع‌الاولی ۱۲۷۳: ۸-۶).

روزنامه بلجیکا هم در چهارم ربیع‌الاول ۱۲۷۳ ق. دیدگاه‌های مختلف در باره مسئله هرات را بیان می‌کند. در ابتدا نظر موافقان هجوم به بوشهر را به نقل از روزنامه مورین پست آورده و این کار را از نظر آن‌ها نه حمله به پادشاه ایران، بلکه مخالفت با روسیه که متصرف واقعی هرات است، می‌داند. به نقل از روزنامه تمس^۱ انگلیس هم نظر مخالفان این تحلیل را می‌آورد و حمله به ایران را دور از عقل و اندیشه می‌داند و مقصر اصلی اختلافات میان ایران و انگلیس را دولت انگلیس در نظر می‌گیرد. بلجیکا می‌گوید که برخی از مردمان انگلیس از جمله تعدادی شهروندان اهل نیوکاسل به هجوم سربازان انگلیسی به خلیج فارس اعتراض کرده‌اند. از هند هم خبر می‌دهد که روزنامه‌های بمبئی و کلکته از آسیب‌های این لشکرکشی به تجارت هندی‌ها گفته‌اند. در ادامه با فرض ورود انگلیسی‌ها به ایران، از مشکلات پس از آن، همچون سختی عبور از مناطق خاص و احتمال کمک روس‌ها به ایران یاد کرده و به همین دلیل از روش کار دولتمردان انتقاد می‌کند.^۲ با نظر به اظهارات کپتین هنت از نیروهای نظامی شرکت‌کننده در حمله انگلیسی‌ها به جنوب، متوجه مصائب و مشکلات این نیروها می‌شویم و اینکه با وجود مشقت‌های زیاد برای جنگجویان انگلیسی و با توجه به تعداد نیروهای دولت ایران، اگر تدبیرات نظامی مناسبی اتخاذ می‌شد، چه بسا امکان دفع حمله و یا مقاومت در برابر انگلیسی‌ها وجود داشت (هنت، ۱۳۲۷ ش: ۸۸-۶۱).

در باره واکنش‌ها و اقدامات سایر کشورها در خصوص مسئله هرات پس از فتح آن ایالت هم، اخباری در روزنامه آمده است. به عنوان نمونه کنسول دولت روس در گیلان به دیدار عمیدالملک حاکم آنجا رفته و ضمن ابراز مسرت و خشنودی از این پیروزی مراتب شادمانی دولت و مردم روسیه را اعلام نموده است (وقایع/تفاتیقه، نمره ۳۰۸، بیست و ششم ربیع‌الثانی ۱۲۷۳: ۱۰) و به نقل از روزنامه فرانسوی دبا^۳ می‌گوید که نیروهای روسی در اطراف ایران استقرار پیدا کرده و صاحب‌منصبان آن به مازندران آمده‌اند که اگر ایران مورد هجوم

^۱ شاید منظور روزنامه The Times باشد.

^۲ وقایع اتفاقیه انتقاداتی هم که روزنامه انگلیسی موسوم به ستاره از تصمیمات دولت آن کشور داشته است را می‌آورد (وقایع/تفاتیقه، نمره ۳۱۶، بیست و سوم جمادی‌الثانی ۱۲۷۳: ۴-۲).

^۳ Journal des débats

انگلیس قرار گرفت آماده باشند (وقایع/تفاهیه، نمره ۳۱۷، اول رجب ۱۲۷۳: ۵). نظر اولیای دولت ایران بر این قرار داشت که منشاء اصلی نگرانی انگلیس نسبت به ایران انعقاد عهدنامه دوستی و تجارتي ایران با فرانسه بود^۱ که بدون دخالت انگلیس بسته شده است و این موضوع را فرانسویان نیز دانسته و در روزنامه‌های انگلیسی و فرانسوی قابل مشاهده است. به همین دلیل، مطالب روزنامه مرین پست انگلیس و پاسخ روزنامه فرانسوی کونستی-توسیونل به آن را در شماره ۳۱۲ می‌آورد.

روزنامه انگلیسی علاوه بر نقش روسیه در اختلاف پیش‌آمده و تحریکات آن دولت برای رفتن قشون ایران به سمت هرات به دلیل نظر داشتن به هند، نقش فرانسه را به‌خاطر رقابتي که با انگلیس به‌ویژه در باره ایران دارد، دارای اهمیت می‌داند. سپس با ذکر مصادیقی وجود این رقابت را یادآور می‌شود و در خصوص هرات می‌گوید بوهرل فرانسوی^۲ که با مسیو بوره^۳ سفیر فرانسه در ایران در ارتباط بوده، به‌عنوان محاصره‌کننده به سمت هرات اعزام شده است^۴ و فرخ خان هم بنا به رأی بوره روانه پاریس می‌شود. در پاسخ به نوشته‌های فوق، روزنامه فرانسوی ضمن بیان دلایل حضور بوره به‌عنوان سفیر در ایران از دو سال قبل و عدم دخالت فرانسه در منازعات بین ایران و انگلیس اظهار می‌کند که بوره تمام سعی خود را برای منصرف کردن دربار در اعزام نیرو به هرات انجام داده است، اما این تلاش‌ها به ثمر ننشست. در خصوص بوهرل هم اولاً اینکه وی سه سال قبل یعنی پیش از آنکه بوره به ایران بیاید، وارد این کشور شد، ثانیاً او اصلاً نوکر فرانسه نیست و در خدمت ایران است و ایرانیان او را منصب سرهنگی در فوج مهندسی داده و به‌گونه‌ای به سمت هرات اعزام کردند که حتی همسر وی هم مطلع نگردد. اما بوره پس از آگاهی به موضوع با صدراعظم برای بازگرداندن وی صحبت کرد که موثر واقع نشد. از طرفی در قشون ایران کسی که بتواند کار محاصره هرات را به پایان برساند، نبود و حکومت مجبور شد از بوهرل استفاده کند. در باره اعتراض به

^۱. این احتمال که انگلیسی‌ها از روابط ایران و روس در زمان جنگ کریمه اطلاع پیدا کرده باشند را هم باید در نظر گرفت. برای مثال می‌توان به عهدنامه سرّی ایران و روسیه در باره کریمه و نامه‌های میرزا آقاخان نوری به سردار عزیزخان سردار کل در خصوص عهدنامه مذکور اشاره کرد (نک: مجموعه اسناد قاسم غنی در دانشگاه ییل، اسناد GI 145، 146 و GI 148-149-150).

^۲. وی از معلمین دارالفنون بود.

^۳. Boré

^۴. شاید نزدیک به همان نقشی که کنت سیمونیچ (Conte Simonitch) سفیر وقت روسیه در تهران به ستوان بلارنبرگ (Captain Blarenberg) برای محاصره هرات توسط محمد شاه داد.

رفتن فرخ‌خان به فرانسه هم پاسخ می‌دهد که روابط ایران و فرانسه از عهد لوئی چهاردهم برقرار شده و همچنان ادامه دارد.

روزنامه‌ای بلژیکی در تاریخ ۱۸ ربیع‌الاول در باره نوشته‌های این دو روزنامه می‌گوید که سفیر انگلیس در اسلامبول^۱ در کار فرخ‌خان خلل ایجاد می‌کرد، اما پادشاه ایران برای کسب اطلاعات درست از ماجرای کریمه که بین دول اروپایی در جریان بود، امین‌الملک را به پاریس فرستاد (وقایع/تفاقیه، نمره ۳۱۲، بیست‌وپنجم جمادی‌الاول ۱۲۷۳: ۱۰-۶).^۲

وقایع اتفاقیه ضمن تأکید بر اینکه موضوع فیما بین ایران و انگلیس در روزنامه‌های فرنگستان هم مطرح می‌شود، خبری را از روزنامه‌ای فرانسوی می‌آورد که در آن لارد (لرد) پالمستون^۳ نخست‌وزیر انگلیس در مجلس آن کشور می‌گوید: وقتی دولت قبل متوجه شد ایران قصد الحاق هرات به ممالک خود را دارد با "نوشتجات تشرامیز" ایران را ترساند و از این کار منصرف کرد و دلیل آن هم سرزمین هندوستان است که با تصرف هرات توسط ایران خاطر جمعی نسبت به آن از بین می‌رود و هم‌اکنون نمایندگان انگلیس و ایران در پاریس مشغول مذاکره برای حل موضوع هستند و به این مذاکرات امید صلح داریم (وقایع/تفاقیه، نمره ۳۲۱، بیست‌ونهم رجب ۱۲۷۳، ۳-۲).

آنچه وقایع/تفاقیه به نقل از روزنامه‌های خارجی آورده است، همه اخبار نیست و صرفاً گزارش‌هایی که صحبت از حقوق ایران و مخالفت با حمله انگلیس داشته‌اند را به صورت گزینشی چاپ کرده است. علاوه بر این‌ها اخبار دیگری هم وجود دارد که به هر دلیلی در روزنامه قید نشده است. مثلاً در روزنامه‌های مختلف آمریکایی نوشته‌های متعددی در باره موضوع هرات به چاپ رسیده بود.^۴ به‌عنوان نمونه، روزنامه دیلی‌دیسپچ^۵ در ۵ نوامبر ۱۸۵۶م. / ۷ ربیع‌الاول ۱۲۷۳ق. تحت عنوان «اشغال هرات توسط پارسیان» ضمن توضیح کوتاهی از مسئله و اهمیت هرات برای روسیه، طبق گزارش‌های رسیده از بمبئی، هند و انگلیس را در حال فراهم‌سازی مقدمات حمله به ایران می‌داند و در شماره منتشره در یکم ژوئن ۱۸۵۷م. / ۸ شوال ۱۲۷۳ق. از خودکشی یک ژنرال و یک درباردار انگلیسی در حین

۱. Lord Stratford سفیر وقت انگلیس در اسلامبول.

۲. در این شماره نکاتی هم در باره روابط انگلیس و فرانسه به‌ویژه با محور ایران در آن زمان قابل مشاهده است.

۳. Lord Palmerston

۴. برای مشاهده متن کامل اخبار در روزنامه‌های آمریکایی می‌توانید ر.ک. به: <https://chroniclingamerica.loc.gov/>

و برای ترجمه شمه‌ای از این اخبار نک: ساعتچیان، ۱۳۹۸.

۵. Daily Dispatch

جنگ ایران و انگلیس خبر می‌دهد و ضمن بیان دلایل آن به پذیرش اعلان انگلیس توسط ایران اشاره می‌کند. نشریه آمریکایی دیگری به نام *ویکلی هاوک-آی/اند تلگراف*^۱ در شماره ۲۸ ژوئن ۱۸۵۷م. / ۶ ذی‌قعدة ۱۲۷۳ق. با عنوان «اولتیماتوم بریتانیا به ایران» هفت شرطی که انگلیسی‌ها برای خروج از جنوب ایران تعیین کرده بودند را آورده است.

نیویورک دیلی تریبون^۲ در تاریخ ۲۴ ژوئن ۱۸۵۷م. / ۲ ذی‌قعدة ۱۲۷۳ق. مقاله‌ای را به نام «معاهده ایران»^۳ چاپ کرد که نویسنده^۴ در آن مفاد فصول پنجم، ششم، هفتم، نهم، دوازدهم و چهاردهم عهدنامه پاریس را آورده و به تحلیل آن می‌پردازد. وی هشت فصل از پانزده فصل معاهده را موضوعات معمول چنین قراردادهایی می‌داند، اما بیان می‌کند که فصول قرارداد تقریباً همان مواردی است که فرخ‌خان امین‌الملک در نشست‌های اسلامبول مطرح و پذیرفته بود و با انجام توافق در اسلامبول دیگر نیازی به معاهده پاریس نبود، فقط اینکه تا زمان عقد پیمان خون‌هایی ریخته و هزینه‌هایی صرف شد و در انتها هم بر بیزاری از بریتانیا در آسیای مرکزی افزود. این جریده در ستونی دیگر، بخشی را با عنوان «Persia» آورده که عین آن متن سه روز بعد در نشریه *ویکلی نشنال اینتلجنسر*^۵ به چاپ رسید.

در میان همه این تقابلات و تنش‌ها یکی از شخصیت‌های مهم و محوری فرخ‌خان امین‌الملک است. طبق خبری در شماره ۸۰ *وقایع/تفاهیه* به تاریخ هشتم شوال ۱۲۷۲ق. فرخ‌خان به دلیل شایستگی‌ها و حسن خدمت، ارتقای مقام یافته و لقب «امین‌الملک» را از ناصرالدین شاه گرفته است. احتمال دارد یکی از دلایل ارتقاء و دادن این لقب، در نظر گرفتن وی به عنوان نماینده ایران برای ورود به اختلافات پیش‌آمده با انگلیس باشد؛ زیرا میزان درجه و اعتبار نماینده در مذاکراتی با این سطح دارای اهمیت است. پس از ارسال نشان «لژیون دنر» توسط امپراطور فرانسه برای شاه ایران و امضای عهدنامه‌ای برای استحکام روابط بین دو دولت، ناصرالدین شاه هم فرخ‌خان را که صندوقدار خاصه بود، با عنوان ایلچی کبیر در روز ۱۱ ذی‌قعدة ۱۲۷۲ق. به همراه نامه‌ای راهی دربار فرانسه کرد. البته در همین سفر، مأموریت جداگانه‌ای هم برای حضور در دربار عثمانی به وی داد (*وقایع/تفاهیه*، نمره ۲۸۵، چهاردهم ذی‌قعدة ۱۲۷۲: ۳). اهمیت این سفر برای دربار ایران تا جایی بود که علی‌رغم بیمار شدن امین‌الملک در تبریز و توقف وی در آنجا دو نوبت چاپار به‌صورت فوری

^۱. Weekly hawk-eye and telegraph

^۲. New-York Daily Tribune

^۳. The Persian Treaty

^۴. ساعتچیان مدعی است که این مقاله توسط کارل مارکس نوشته شده است (ساعتچیان، ۱۳۹۸: ۱۶).

^۵. Weekly National Intelligencer

برای وی پیغام آورد که سریعاً به مأموریت خود ادامه دهد و در انجام آن تأخیر نکند. (وقایع اتفاقیه، نمره ۲۹۳، دهم محرم ۱۲۷۳: ۲).

گزارش سفر امین‌الملک به پاریس و در ادامه به لندن در شماره‌های مختلف وقایع اتفاقیه و در مواردی با جزئیات آورده شده است^۱ و از آن‌ها می‌توان برای درک بهتر فضای حضور ایلچی کبیر ایران در کشورهای که از آن‌ها عبور کرده است، استفاده نمود. مثلاً یکی از گزارش‌ها اشاره دارد که پس از ورود فرخ خان به ارزنة‌الروم با وجود تنش‌های به‌وجود آمده میان دولت ایران و انگلیس، افراد قونسول انگلیس با احترام به استقبال و دیدار وی رفتند (وقایع اتفاقیه، نمره ۳۰۰، سلخ صفر ۱۲۷۳: ۴-۱) که البته با توجه به اخبار بعدی، رفتار نمایندگان انگلیس در اسلامبول کاملاً متفاوت بود. در همین سفر، فرخ خان با کارول اسپنس^۲ وزیر دولت امریکا در اسلامبول دیدار کرد و توافقنامه‌ای هم میان آن‌ها مبادله شد. (وقایع اتفاقیه، نمره ۳۱۲، بیست‌وپنجم جمادی‌الاولی ۱۲۷۳: ۲). فرخ خان در ابتدا قرار بود مدت پانزده روز در اسلامبول بماند، اما با توجه به شرایط پیش‌آمده دو ماه و هشت روز در آنجا ماند و قبل از خروج هم مکاتبه‌ای با سفیر انگلیس در اسلامبول انجام داد و به‌نوعی ضمن یادآوری اقدامات صورت‌گرفته، با وی اتمام حجت کرد. جالب است که طبق این نامه یکی از مواردی که سفیر انگلیس در اسلامبول به‌عنوان تکالیف بر دولت ایران مدنظر داشت، تغییر صدراعظم یعنی میرزا آقاخان نوری بود، همانکه طبق مشهور مورد حمایت انگلستان قرار داشت. (وقایع اتفاقیه، نمره ۳۱۲، بیست‌وپنجم جمادی‌الاولی ۱۲۷۳: ۵-۳).

بازتاب اخبار هرات بعد از معاهده پاریس

در شماره‌های روزنامه وقایع اتفاقیه از متن کامل معاهده و بیان دقیق بندهای آن خبری نیست. نخستین گزارش از توافق دو دولت در این نشریه، خبری است که توسط تلگراف از مصالحه «دولتین علیتین» رسیده بود و متن عهدنامه که نمایندگان دو طرف یعنی فرخ خان امین‌الملک سفیر کبیر ایران و هنری ریچارد چارلس ولزلی^۳ سفیر مخصوص انگلیس در پاریس در هفتم رجب ۱۲۷۳ ق. نگاشته بودند و به‌وسیله نریمان خان سرتیپ و نایب اول سفارت در هفدهم شعبان به تهران رسانده شد که ناصرالدین شاه در بیستم شعبان آن را امضاء کرد و در همان روز توسط جهانگیر خان سرتیپ برای مبادله با نماینده انگلیس به

۱. برای مشاهده این گزارش‌ها نک: وقایع اتفاقیه، شماره‌های ۳۳۷-۳۳۰-۳۲۹-۳۱۹-۳۱۲-۳۰۶-۳۰۳-۳۰۰.

۲. Carroll Spence

۳. Henry Richard Charles Wellesley

بغداد ارسال شد^۱ و همچنین اظهار می‌کند مقدمات کار برای بازگرداندن مستر موری انجام خواهد گرفت (وقایع/تفاهیم، نمره ۳۲۴، بیستم شعبان ۱۲۷۳: ۴-۳) مستر موری در ۲۶ ذی‌قعدة ۱۲۷۳ ق. به تهران رسید که گزارش نحوه استقبال گرم و تدارکات دولت برای بازگشت وی و ملاقات‌های چند روز اولیه در شماره ۳۳۹ روزنامه مفصلاً آمده است^۲ و این تدارکات بر مبنای فصل دهم معاهده انجام گرفت. بعدها هم روزنامه در شماره ۳۹۸ خود مستر موری را از تمام تهمت‌ها و اتهاماتی که به وی نسبت داده شد بود، مبری می‌کند و آن‌ها را تماماً افترا می‌داند (وقایع/تفاهیم، نمره ۳۹۸، هفتم صفر ۱۲۷۵: ۲).

طبق خبری در شماره ۳۲۸ روزنامه، عهدنامه شامل پانزده فصل است که علاوه بر موضوع افغانستان و هرات شامل موارد دیگری از جمله در حوزه تجارت هم می‌شود. به دلیل مذاکرات بیشتر در باره برخی فروع در عهدنامه، امین‌الملک به دعوت دولت انگلیس از پاریس به لندن رفت (وقایع/تفاهیم، نمره ۳۲۸، نوزدهم رمضان ۱۲۷۳: ۲). نحوه استقبال و تدارکاتی که انگلیسی‌ها برای امین‌الملک فراهم کرده بودند، با جزئیات در شماره‌های ۳۳۷ و ۳۳۰ و ۳۲۹ وقایع/تفاهیم آمده است.

ایران مدعی بود که پس از انعقاد تفاهم‌نامه در کمال صداقت فوراً به اجرای آن اقدام نموده است:

از دعوت جناب جلالت‌مآب مستر موره وزیرمختار انگلیس بطهران و تعیین صاحب‌منصبان با شأن برای دعوت و مهمان‌داری جناب معزی‌الیه و تقدیم لوازم احترامات و تشریفات ایشان و تخلیه سبیل جمیع افغانه و اعلام صریح که هر کس در ملک ایران بوده باشد خود را در رفتن بافغانستان و ماندن در ایران مختار و مطلق‌العنان بداند و امثال و نظایر آن در هیچیک از این موارد قصوری نگذاشتند، حتی تخلیه هرات را که جزء اعظم عهدنامه بود بطوری اقدام نمودند که قبل از انقضاء مدت معینه در عهدنامه این مقصود از قوه بفعول آمد... و اکنون منتظر آن هستند که دولت انگلیس چگونه با اجرای تکالیف خود که در عهدنامه مقرر بود اقدام خواهد کرد و بچه اهتمام از عهده ما فی‌الذمه خود در دوستی خواهد آمد (وقایع/تفاهیم، نمره ۴۴۲، بیست‌ونهم ذیحجه ۱۲۷۳: ۲).

۱. عهدنامه امضاء شده توسط پادشاه انگلستان در تاریخ بیستم رمضان ۱۲۷۳ ق. به تهران رسید. (وقایع/تفاهیم، نمره ۳۳۰، چهارم شوال ۱۲۷۳: ۱).

۲. در این دیدار میرزا آقاخان نوری از اشعار سعدی بهره می‌گیرد و می‌گوید:
بیا که نوبت صلح است و دوستی و عنایت بشرط آنکه نگوئیم از آنچه رفت حکایت / دو دوست قدر شناسند وقت صحبت را که مدتی ببریدند و باز پیوستند.

از این عبارات، بخشی از مفاد عهدنامه مشخص می‌شود. از جمله بازگرداندن سفیر انگلیس، مختار گذاشتن اتباع افغانستانی در رفتن و یا ماندن در ایران و همچنین تخلیه هرات تا زمانی معین که ایران در انجام آن‌ها پیش‌قدم شده است. همچنین پس از رفع کدورت‌ها، دولت افرادی که در مدت نزاع و اختلاف پیش‌آمده مرتکب خیانت‌هایی به کشور در این باره شدند را مطابق فصل چهارم معاهده پاریس از مؤاخذه معاف کرد (وقایع/تفاقیه، نمره ۳۳۹، هشتم ذیحجه ۱۲۷۳: ۱).

در این میان و پس از اعلام صلح بین دو دولت، همچنان اخبار مربوط به هرات و اقدامات حسام‌السلطنه برای برقراری نظم و رسیدگی به امور آنجا در روزنامه چاپ می‌شد. در یکی از این اخبار آمده است که بزرگان و اهالی هرات داوطلب اعزام به فارس و جهاد همانند مردمان سایر ولایات ایران هستند (وقایع/تفاقیه، نمره ۳۲۷، دوازدهم رمضان ۱۲۷۳: ۵). طبق گزارش مهدیقلی میرزا در آخر ذیقعد، نهایتاً حسام‌السلطنه توپخانه و قورخانه را از هرات به سمت خراسان حرکت داد (وقایع/تفاقیه، نمره ۳۴۰، پانزدهم ذیحجه ۱۲۷۳: ۳).

پس از گذشت بیش از یک‌سال از امضای عهدنامه، وقایع/تفاقیه می‌گوید جریده //حوادث اسلامبول از روی روزنامه‌ای غلطه اقدام به انتشار خبری کرده است مبنی بر اینکه روابط ایران و انگلیس مجدداً به هم خورده و ایران در شهرهای لاین و جوین تصرف و مداخله کرده و در آنجا سکه زده و خطبه خوانده است. وقایع/تفاقیه ضمن تکذیب صریح این خبر توضیح می‌دهد با وجود اینکه لاین و جوین جزو قایمات است و داخل افغانستان نیست، به مباشرین قدیم واگذار شده است و مستر موری وزیرمختار انگلیس در ایران از اجرای عهدنامه رضایت کامل دارد و ضمناً یادآور می‌شود که هرات از زمان صفویه و نادر شاه در اختیار ایران بوده، اما با توجه به در نظر گرفتن مصالح کشور، هم‌اکنون ایران از آن صرف‌نظر کرده است (وقایع/تفاقیه، نمره ۳۸۳، هشتم شوال ۱۲۷۴: ۱-۲). این موضوع یعنی حق حاکمیت تاریخی ایران بر هرات و همچنین مکاتبات و درخواست‌های مختلف مردم و بزرگان اقوام هرات مبنی بر استمداد از دولت ایران در برابر تجاوز دیگران به‌ویژه دوست‌محمد خان و تمایل اهالی آن دیار بر حضور حاکمان ایرانی، در اسناد مختلف از جمله نوشته‌های روزنامه وقایع/تفاقیه آمده است که به برخی از آن‌ها در بالا اشاره شد. دلیل این امر می‌تواند علاوه بر رفتار نامناسب و آزار ساکنین هرات توسط برخی حاکمان آنجا و درضمن همجواری آن ایالت با خراسان، به‌دلیل وجود پیشینه مشترکات فرهنگی، ادبی و زبانی هم باشد تا جایی که این گرایش متقابل تاکنون نیز ادامه دارد و ظرفیت مناسبی برای به‌کارگیری دیپلماسی فرهنگی است.

علی‌رغم برقراری مجدد ارتباط دیپلماتیک میان ایران و انگلیس، چالش‌های بین این دو کشور بر سر مسئله هرات پس از معاهده نیز تا اندازه‌ای باقی ماند. ناصرالدین شاه در ۱۲۷۳ق. سلطان احمد خان که با انگلیسی‌ها همراه نبود و در گذشته با نیروهای این کشور درگیری‌هایی داشت را بر حکومت هرات منصوب کرد و کمک‌های تجهیزاتی و نظامی نیز در اختیارش قرار داد. امیر دوست‌محمد خان که از قبل با سلطان احمد خان اختلافاتی داشت و با انگلیسی‌ها در ارتباط بود، به پشت‌گرمی حمایت انگلستان در ۱۲۷۹ق. هرات را محاصره کرد. پس از مذاکرات دولت ایران با دوست‌محمد خان و عدم توافق میان طرفین، حسام‌السلطنه پس از حدود هفت سال مجدداً لشکری را به سوی هرات روانه کرد و در نزدیکی شهر مستقر نمود. با ورود ادوارد استویک^۱، عامل انگلیس به ماجرا و ممانعت از هر گونه اقدام علیه دوست‌محمد خان و از طرفی درگذشت سلطان احمد خان، به دستور دوست‌محمد خان سپاهیان وی وارد هرات شدند و با غارت آنجا شهر را تسخیر کردند، هر چند او نیز بعد از چند روز از دنیا رفت. ایران برای عدم استقرار و تسلط دوست‌محمد خان در هرات مکاتبات و مذاکرات متعددی با دولت انگلیس داشت و نمایندگان خود از جمله میرزا حسین خان وزیرمختار و ناصرالملک را هم به لندن فرستاد، اما در این مورد نیز نتیجه دلخواه را به دست نیاورد و از ابتدای دهه هشتاد قرن سیزدهم هجری قمری، حاکمیت سیاسی ایران در هرات از بین رفت.^۲

نتیجه‌گیری

از سال ۱۲۶۸ق. تا زمان عقد معاهده پاریس در ۱۲۷۳ق. در شماره‌های مختلف روزنامه *وقایع/تفاهیه* از موضوع هرات به دفعات سخن به میان آمده است و اعتضادالسلطنه در *فتح‌نامه هرات*، خوانندگان را برای دریافت گزارش‌های تکمیلی به «روزنامه‌های دولتی دارالخلافه» یعنی *وقایع/تفاهیه* ارجاع می‌دهد (اعتضادالسلطنه، ۱۲۷۳ق: ۴). می‌توان اذعان کرد که مسئله هرات جزء مهم‌ترین دغدغه‌های نویسندگان روزنامه بوده و شاهد ادعا، میزان حجم مطالب اختصاص یافته به آن است و حتی به‌طور ویژه به مطالب نشریات خارجی در باره این موضوع هم پرداخته است که البته نحوه‌گزینش و انعکاس آنها جای بررسی جداگانه

^۱ Edward Eastwick مستشار سفارت انگلیس در تهران.

^۲ برای اطلاع از مناقشات میان ایران، انگلیس و حاکمان ایالات افغانستان از زمان انعقاد عهدنامه پاریس تا ۱۲۸۰ق نک:

بهمنی قاجار، ۱۳۸۵.

دارد که در این مقاله با مقایسه مطالبی از نشریات خارجی آن زمان به نکاتی اشاره شد. آنطوری که از نوشته‌های مندرج در روزنامه برمی‌آید، ایران مدعی است که پس از زدوخوردهای میان حاکمان قندهار، کابل و هرات، به منظور پیشگیری از اغتشاش در مرزهای خراسان و حفظ امنیت آن منطقه، به سمت هرات لشکر اعزام و نهایتاً آن شهر را تصرف کرد. پس از آن به انگلیسی‌ها پیام داد که در صورت عدم دخالت در امور ایالات افغانستان و تضمین حمایت از امنیت آنجا و عدم تحریک حاکمان، حاضر است از هرات عقب‌نشینی کند و مکرر یادآوری می‌کند که به هیچ‌وجه خواستار مخاصمه با انگلیس نیست و به دنبال ادامه تعامل دوستانه با آن کشور است. اما این مراسلات و مذاکرات به ثمر نرسید و پس از آن، ضمن اشاره به بدعهدی‌های مکرر انگلیس، رجزخوانی‌هایی هم از جانب دولت و مردم ایران مبنی بر آمادگی مقابله در برابر تعدیات متجاوزان در روزنامه آمده است. مقایسه حجم مطالب منتشره در خصوص مسئله هرات در روزنامه *وقایع اتفاقیه* قبل و بعد از پیمان پاریس نشان از کاهش چشمگیر این دست مطالب پس از معاهده دارد، تا جایی که حتی از چاپ تمام یا بخشی از متن توافق هم خبری نیست، گرچه در مواردی تلویحاً به اقدامات ایران در راستای اجرای عهدنامه اشاره می‌کند. احتمال دارد این تغییر و عدم پرداختن به موضوع پس از عهدنامه، به دلیل نگارش قرارداد به‌وسیله "شمشیر فاتح" و تعهدات ایران در معاهده باشد که در قیاس با تعهدات انگلستان سنگین‌تر بود، در صورتی که نشریات خارجی حداقل بخشی از مفاد فصول عهدنامه را درج و تحلیل کرده بودند. از طرفی این عدم اطلاع‌رسانی کامل در مغایرت با ادعاهای متولیان روزنامه مبنی بر آگاهی بخشی به مردم و در اختیار گذاشتن اخبار است، اما شاید داشتن چنین توقعی از یک رسانه حکومتی آن هم در برهه تاریخی مورد نظر دشوار باشد.

منابع و مأخذ

فارسی:

- احمدی، فرج‌الله و آروین قادمیان، «بازی بزرگ و مسئله هرات (۱۸۲۸ تا ۱۸۳۸م)»، پژوهش‌های علوم تاریخی، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، ش. ۲۰، صص. ۲۰-۱.
- اعتضادالسلطنه، علیقلی میرزا، ۱۲۷۳ق. *فتح‌نامه هرات*، نسخه خطی به شماره اموال ۱۴۸۱/۰۰۲، ۱۳۹۳.۰۴.۰۱۴۸۱/۰۰۲، کتابخانه و موزه ملی ملک.
- انصاری، فاروق، «معرفی سند: یک سند مهم در باره مسئله هرات»، *فصلنامه تاریخ روابط خارجی*، زمستان ۱۳۸۳، ش. ۲۱، صص. ۲۱۲-۲۰۳.

بهمنی قاجار، محمدعلی، «پایان حاکمیت سیاسی ایران بر هرات (۱۲۷۳-۱۲۸۰ق)»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ۱۳۸۵، ش. ۲۹، صص. ۷۱-۹۶.

بینا، علی اکبر، «روابط سیاسی: جنبه‌های سیاسی و دیپلماسی مسئله هرات و افغانستان (در دوره قاجاریه تا معاهده پاریس)»، بررسی‌های تاریخی، فروردین و اردیبهشت ۱۳۴۸، سال چهارم، ش. یک، صص. ۵۹-۸۶.

پرتو، افشین، «پیمان پاریس؛ داستان غم‌انگیز جدایی هرات از ایران»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۱۳۸۸، ش. ۲۶۶-۲۶۵، صص. ۱۴-۴۱.

حاجیان پور، حمید، «اوضاع سیاسی ماوراءالنهر در دوران اسلامی تا تشکیل دولت صفوی»، فصلنامه تاریخ اسلام، زمستان ۱۳۸۶، سال هشتم، ش. ۳۲، صص. ۶۹-۹۸.

رایت، دنیس، ۱۳۶۸، *ایرانیان در میان انگلیسیها، چاپ دوم*، ترجمه: کریم امامی. تهران: نشر نو.

رحمانیان، داریوش و زهرا حاتمی، ۱۳۹۶، *پنج رساله سیاسی از دوره قاجاریه*، تهران: نشر علم.

ساعتچیان، علیرضا، ۱۳۹۸، *ایران از نگاه آمریکاییان*، چاپ سوم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.

طباطبایی مجد، غلامرضا، ۱۳۷۳، *معاهدات و قراردادهای تاریخی در دوره قاجاریه*، تهران: بنیاد موقوفات دکتر افشار.

ملکم، میرزا، ۱۳۹۷ق، *پولتیک ایرانی چیست*، نسخه خطی به شماره ۲۹۹۸، کتابخانه و موزه ملی ملک.

نظام‌مافی، منصوره، «اولین اختلاف ایران و انگلیس بر سر مسئله هرات ۱۲۵۴»، نگین، ۱۳۵۴، ش. ۱۲۳.

هنت، کپتین، ۱۳۲۷، *جنگ انگلیس و ایران در سال ۱۲۷۳ هجری قمری*، ترجمه: حسین سعادت‌نوری. تهران: شرکت سهامی چاپ.

نشریات:

روزنامه وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۳، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، جلد‌های اول تا سوم.

-----، ۱۳۷۴، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، جلد چهارم.

روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۵۸، نوزدهم جمادی‌الاول ۱۲۶۸: ۳

-----، نمره ۷۴، سیزدهم رمضان ۱۲۶۸: ۱

-----، نمره ۷۵، بیستم رمضان ۱۲۶۸: ۲

-----، نمره ۷۶، بیست و هفتم رمضان ۱۲۶۸: ۲

-----، نمره ۲۴۶، ششم صفر ۱۲۷۲: ۳

-----، نمره ۲۵۵، دهم ربیع‌الثانی ۱۲۷۲: ۲-۱

-----، نمره ۲۶۵، بیست و یکم جمادی‌الثانی ۱۲۷۲: ۳-۲

-----، نمره ۲۷۴، بیست و پنجم شعبان ۱۲۷۲: ۵-۱۱

-----، نمره ۲۸۵، چهاردهم ذی‌قعدة ۱۲۷۲: ۳

-----، نمره ۲۹۳، دهم محرم ۱۲۷۳: ۲

-----، نمره ۲۹۷، نهم صفر ۱۲۷۳: ۳-۲

-----، نمره ۳۰۰، سلخ صفر ۱۲۷۳: ۴-۱

-----، نمره ۳۰۱، هفتم ربیع‌الاول ۱۲۷۳: ۳-۱

-----، نمره ۳۰۲، چهاردهم ربیع‌الاول ۱۲۷۳: ۱-۶

-----، نمره ۳۰۴، بیست و هشتم ربیع‌الاول ۱۲۷۳: ۲-۳ و ۳-۶ و ۸-۶

- ، نمره ۳۰۷، نوزدهم ربیع‌الثانی ۱۲۷۳: ۴-۵
- ، نمره ۳۰۸، بیست و ششم ربیع‌الثانی ۱۲۷۳: ۱-۶ و ۱۰
- ، نمره ۳۱۰، یازدهم جمادی‌الاول ۱۲۷۳: ۳
- ، نمره ۳۱۱، هجدهم جمادی‌الاول ۱۲۷۳: ۱-۳
- ، نمره ۳۱۲، شانزدهم جمادی‌الاول ۱۲۷۳: ۲ و ۳-۵ و ۶-۱۰ و ۱۵-۱۶
- ، نمره ۳۱۳، دوم جمادی‌الثانی ۱۲۷۳: ۴
- ، نمره ۳۱۵، شانزدهم جمادی‌الثانی ۱۲۷۳: ۳-۲
- ، نمره ۳۱۶، بیست و سوم جمادی‌الثانی ۱۲۷۳: ۲-۴
- ، نمره ۳۱۷، اول رجب ۱۲۷۳: ۵
- ، نمره ۳۲۰، بیست و دوم رجب ۱۲۷۳: ۳
- ، نمره ۳۲۱، بیست و نهم رجب ۱۲۷۳، ۳-۲ و ۴
- ، نمره ۳۲۴، بیستم شعبان ۱۲۷۳: ۳-۴
- ، نمره ۳۲۷، دوازدهم رمضان ۱۲۷۳: ۵
- ، نمره ۳۲۸، نوزدهم رمضان ۱۲۷۳: ۲
- ، نمره ۳۳۰، چهارم شوال ۱۲۷۳: ۱
- ، نمره ۳۳۹، هشتم ذیحجه ۱۲۷۳: ۱
- ، نمره ۳۴۰، پانزدهم ذیحجه ۱۲۷۳: ۳
- ، نمره ۳۸۳، هشتم شوال ۱۲۷۴: ۱-۲
- ، نمره ۳۹۸، هفتم صفر ۱۲۷۵: ۲
- ، نمره ۴۴۲، بیست و نهم ذیحجه ۱۲۷۳: ۲

لاتین:

Encyclopaedia Iranica, Vol. XII, Fasc. 2, «The Herat Question», pp. 219-224.

<https://Chroniclingamerica.loc.gov/>

<https://Ghani.macmillan.yale.edu/>

Ahmadi, F. & Ghaemian, A. 2020, “The Great Game and the Herat Question (1828 – 1838)”, *Historical Sciences Studies*, Volume 11, Issue 2, Pages 1-20. (In Persian with English abstract)

Ansari, F. 2005, “Introduction a Document: an Important Document about Herat Question”, *Foreign Relations History*, Issue 21, Pages 203-212. (In Persian)

Bahmani Qajar, M.A. 2005, “The end of Iran's Political rule over Herat (1273-1280 AD)”, *Foreign Relations History*, Issue 29, Pages 71-96. (In Persian)

Bina, A. 1969, “Political relations: Political and Diplomatic Aspects of the Herat Question and Afghanistan (in the Qajar period until the Treaty of Paris)”, *Historical reviews*, Issue 19, Pages 59-86. (In Persian)

Encyclopaedia Iranica, “The Herat Question”, Vol. XII, Fasc.2, pp. 219-224.

- E'tezād-al-Saltāna, A.Q. 1856, *Fath-nāmeḥye Herat*, [Persian Manuscript], Tehran: Malek National Library and Museum Institution, Document Number: 1393, 04, 01481/002 (In Persian).
- Ettehadieh, M. 1975, "The first Dispute between Iran and Britain over the Herat Question in 1254", *Negin*, Issue 123, Pages 33-38. (In Persian)
- Hajian-poor, H. 2007, "The Political Conditions of Transoxiana in the Islamic Era up to the Establishment of the Safavid Rule", *History of Islam*, Volume 8, Issue 32, Pages 69-98. (In Persian with English abstract)
<https://chroniclingamerica.loc.gov/>
<https://ghani.macmillan.yale.edu/>
- Hunt, G.H. 1948, *The War between Britain and Iran in 1273 AH*, Translated by Saadat, H. Tehran: Sahāmī-e Čāp Company. (In Persian)
- Mūrzā Malkam Khan. 1880, What is the Iranian Politics, [Persian Manuscript], Tehran: Malek National Library and Museum Institution, Document Number: 2998. (In Persian)
- Parto, A. 2009, "The Treaty of Paris; The Sad Story of the Separation of Herat from Iran", *Ettelaat (political-economic)*, Issues 265 & 266, Pages 14-41. (In Persian)
- Rahmanian D. & Hatami Z. 2017, Five Political Treatises in the Qajar Period, Tehran: Nashr-e 'elm. (In Persian)
- Rūznāmeḥye Vaqāye'e 'ettefāqīyyeh*, 1994, Vol. 1-3, Tehran: National Library of Islamic Republic of Iran & Center of Media Studies and Researches. (In Persian)
- Rūznāmeḥye Vaqāye'e 'ettefāqīyyeh*, 1995, Vol, 4, Tehran: National Library of Islamic Republic of Iran & Center of Media Studies and Researches. (In Persian)
- Saatchian, A. 2019, *Iranians from the eyes of Americans: Qajar-era Iran in American newspapers from 1848 to 1926 (1227-1305 AH)*, Tehran: ketāb-e Pārs-e. (In Persian)
- Tabatabaei-e majd, Gh. 1994, *Historical Treaties and agreements in the Qajar period*, Tehran: Dr.Mahmoud Afshar Foundation. (In Persian)
- Wright, D. 1989, *The Persian Amongst the English*, Translated by Imami, K. Tehran: Našr-e nu.